

به نام خدا

پادشاه و تصمیم سخت

مولفان :

علی اتابکی

محمد حسین اتابکی

یگانه اتابکی

رقیه احمدپور حبشی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: اتابکی، علی، ۱۳۸۸-

عنوان و نام پدیدآور: پادشاه و تصمیم سخت / مولفان علی اتابکی... [و دیگران].

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۴ص؛ ۱۷×۲۴س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۵۷-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: مولفان علی اتابکی، محمدحسین اتابکی، یگانه اتابکی، رقیه احمدپور حبشی.

موضوع: داستان‌های نوجوانان فارسی -- قرن ۱۵

۲۱st century -- Young adult fiction, Persian

افسانه‌ها و قصه‌ها -- ادبیات کودکان و نوجوانان

Legends -- Juvenile literature

رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۴

رده بندی دیویی: ۸۳۳/۶۲ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۳۰۹۶۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: پادشاه و تصمیم سخت

مولفان: علی اتابکی - محمد حسین اتابکی - یگانه اتابکی - رقیه احمدپور حبشی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۵۷-۷

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



داستان بچه گانه

یکی بود یکی نبود در سر زمین آباد و سر سبزی پادشاهی حکومت می کرد که سه همسر داشت که این همسران دائماً با هم اختلاف و درگیری داشتند و مسائل و مشکلات زیادی برای پادشاه و دربار پادشاهی ایجاد می کرد هر روز درگیری و اختلاف بیشتر و بیشتر می شد زن بزرگ پادشاه خود را همه کاره امور دربار می دانست ولی زن دوم با حيله و مکر فراوان و ایجاد در دسرهای زیاد برای زن اول و زن سوم پادشاه امورات را به دست می گرفت و این مشکلات هر روز بیشتر از دیروز توسط وزیران و نوکران دربار به گوش پادشاه می رسید و پادشاه را عصبانی مرکرد روزی یکی از وزیران به پادشاه پیشنهادی داد که اگر دو تن از زنان خود را از دربار بیرون کند و فقط یکی از زنان در دربار بماند به امور داخلی دربار نظارت کند این مشکلات حل خواهد شد و پادشاه هم پذیرفت ولی چند تن از مشاوران پادشاه جمع شدند و جلسه ای برگزار کردند و نتیجه جلسه را به عرض پادشاه رساندند تصمیم بر آن شد که مسابقه ای بین سه زن پادشاه برگزار گردد هر کس در مسابقه برنده شد در دربار بماند و دوزن دیگر پادشاه از دربار اخراج شوند اما تصمیم در مورد مسابقه بر عهده خود همسران پادشاه قرار گرفت وقتی تصمیم شورای مشاوران دربار را به گوش همسران پادشاه رساندند همسر اول پادشاه که سخت با همسران دیگر در جنگ و دعوا بود گفت پادشاهها من برای تمام لشکر پادشاهی و ارتش بیرون دربار خاگینه

ای در پوست تخم مرغ درست میکنم که همه لشکریان و مهمانان بخورند و سیر شوند و باز هم باقی بماند زن دوم عصبانی از این حرف زن بزرگ پادشاه چند قدم جلو آمده و گفتم سرورم تاج سرم پادشاه بی همتا و شجاع من هم می توانم یک عدد قالی ببافم که تمام مردم کشور و لشکریان و خدم و حشم روی آن بنشینند و بازهم جا برای مردم چند کشور دیگر هم باشد. زن سوم که از همه کوچک بود حرفی برای گفتن نداشت و وزیران گفتند بانوی سوم شما چه برای ارائه در مسابقه دارید زن سوم سرش را پایین انداخت و عرض کرد من مدتی است باردار هستم و منتظر به دنیا آمدن فرزندم می باشم و نمی توانم در این مسابقه موفق باشم پادشاه وقتی شنید زن سوم باردار است خیلی خیلی خوشحال شد برق شادی در چشمانش پیدا بود چون دو زن قبلی پادشاه هیچ فرزندی نداشتند و این خبر مسرت بخش پادشاه را به وجد آورد دو زن بزرگتر وقتی این خبر را شنیدند صورت را خود را در احم فرو کشیدند و خیلی ناراحت و عصبانی تر گشتند.

از حالا خود را شکست خورده مسابقه فرض می کردند. دست به کار شدند و زن اول و دوم با هم اتحاد بستند تا نقشه ای بکشند و زن سوم را از میان بردارند تا نتواند فرزندی برای پادشاه به دنیا آورد. به دروغ و حيله به پادشاه عرض کردند مسابقه را مدتی به تأخیر بیندازیم تا بانوی سوم که نامش گل بانو بود فرزندش را به دنیا آورد و ما تا آن موقع از او مراقبت می کنیم بعد از این که فرزندش به دنیا آمد مسابقه را انجام خواهیم داد. تا بانو دربار مشخص شود پادشاه هم غافل از نقشه دو زن حيله گر و بدبجنس پیشنهاد آنها را قبول کرد و زمان مسابقه را به سه ماه دیگه